

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)

سال ششم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۴

ص ۱۴۹-۱۳۳

ظرفیت‌های ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی

زهره قاسم‌نژاد* فرشته معتمدلنگرودی**

چکیده

شرایع الهی همه از یک سرچشمه صادر شده‌اند. دین حقیقتی زنده و فراتر از حوادث و تغییرات تاریخی است. در باطن دین، حقیقت واحدی نهفته که به صور گوناگون در شریعت‌های مختلف در ادوار تاریخی متجلی شده است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (شوری: ۱۳). این حقیقت نشان می‌دهد ادیان توحیدی، این ظرفیت را دارند که در تعامل با یکدیگر در عرصه‌های متعدد بین‌المللی ایفای نقش کنند؛ زیرا اگر ادیان، ظرفیت هم‌گرایی و تعامل با یکدیگر را نداشته باشند چگونه می‌توانند در کنار هم در یک عرصه بین‌المللی وارد شده و ایفای نقش کنند. در بحث نظری و تئوری پیرامون فرهنگ‌سازی، کشف ظرفیت‌های و تحلیل ادیان توحیدی کافی است؛ اما در حوزه کاربردی اولین موضوعی که در بحث ظرفیت ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی باید اثبات شود، ظرفیت تعامل و هم‌گرایی ادیان با یکدیگر است. چنان‌که این ظرفیت اثبات شد، باید به ظرفیت‌سازی پرداخت تا این مهم تحقق یابد. پس از هم‌گرایی است، کشف ظرفیت‌های ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی گامی به منظور ظرفیت‌سازی ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی است. جستار حاضر، مطالعه‌ای کیفی است که با بررسی اسناد، بانک‌های اطلاعاتی، مقالات و کتب ادیان توحیدی، فرهنگ و فرهنگ‌سازی، و کتب تمدن، با رویکرد ظرفیت‌سازی شکل گرفته و بر اساس تحلیل محتوا، انسجام یافته است. جامعه پژوهش، شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع بحث است. بر اساس یافته‌های این مقاله، بحث از ظرفیت‌های ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی، یک بحث کاربردی است که کشف ظرفیت‌ها در کنار ظرفیت‌سازی باید صورت گیرد و قبل از هر اقدامی باید، تعامل و هم‌گرایی ادیان توحیدی ظرفیت‌سازی شود. از مهمترین ظرفیت‌های ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی، حضور در عرصه بین‌الملل ادیان است.

واژه‌های کلیدی

ادیان توحیدی، بین‌المللی، ظرفیت، ظرفیت‌سازی، فرهنگ‌سازی.

* استادیار گروه علوم قرآن و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز- شیراز- ایران (نویسنده مسئول) zghasemi62@yahoo.com

** دانشجوی کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران- ایران f_motamad_2011@yahoo.com

مقدمه

بحث ظرفیت‌های ادیان در عرصه بین‌المللی با مطرح شدن موضوع جهانی شدن، رونق گرفت. جهانی شدن به عنوان یک واقعیت از ابعاد مختلف در جوامع از جمله ایران، تأثیرگذار بوده است که دین و نهادها دینی یکی از آن حوزه‌ها می‌باشد. هدف اصلی نوشتار حاضر این است که آیا ادیان توحیدی دارای این ظرفیت و قابلیت هستند که در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی وارد شوند و به طراحی یک فرهنگ بین‌المللی بپردازند؟

با توجه به هدف بحث، محور اصلی و محورهای فرعی پژوهش حاضر این سؤالات می‌باشد که «ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی صاحب چه ظرفیت‌هایی هستند؟»، «مفهوم ظرفیت و ظرفیت‌سازی از منظر ادیان توحیدی چیست؟» «ظرفیت‌های ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ بین‌المللی کدامند؟»

رویکرد نگارندگان به بحث ظرفیت‌های ادیان توحیدی، رویکرد درون دینی است و سعی شده است ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سه دین اسلام، مسیحیت و یهودیت در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی از متون مقدس این ادیان استخراج و تبیین گردد. قبل از بیان ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سه دین بزرگ توحیدی اسلام، مسیحیت و یهودیت، باید مفهوم فرهنگ‌سازی بین‌المللی از منظر ادیان تبیین و تحلیل گردد؛ زیرا با شفاف‌سازی مفهوم فرهنگ‌سازی در عرصه بین‌المللی از منظر ادیان می‌توان به کشف ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آن‌ها در این عرصه پی‌برد. بنابراین، با توجه به سؤالات و اهدافی که پژوهش به دنبال دستیابی به آن‌هاست پس از مفهوم‌شناسی واژگان ظرفیت و ظرفیت‌سازی، ادیان توحیدی و فرهنگ‌سازی به مطالعه و بررسی مفهوم فرهنگ‌سازی در عرصه بین‌المللی از منظر ادیان توحیدی پرداخته می‌شود. تبیین مفهوم فرهنگ، از منظر ادیان توحیدی به ارائه مدلی

می‌انجامد که از آن مدل، مبانی فرهنگ‌سازی در عرصه بین‌المللی و ظرفیت‌های ادیان در این عرصه قابل کشف است. بنابراین پس از بحث مفهوم فرهنگ‌سازی در ادیان به مبانی فرهنگ‌سازی بین‌المللی در ادیان توحیدی پرداخته، سپس اصل بحث که بیان ظرفیت‌های ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. پیشینه بحث

اندیشمندان معاصر، با توجه به شیوع مفاسد فردی و اجتماعی در سطح جهان و بین‌الملل همواره به ارائه مدل در مقوله ظرفیت فرهنگ‌سازی، مستخرج از متون و نصوص دینی توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند. از جمله جوادی آملی در کتاب «روابط بین‌الملل در اسلام»، عوضعلی سعادت در «نقش اسلام در توسعه فرهنگی» همچنین در مقالاتی از جمله: «روابط بین‌الملل در اسلام» نوشته علی اکبرعلی خانی در شماره اول پژوهش‌های روابط بین‌المللی سال ۱۳۹۰ش به چاپ رسانده است. این مقاله اصول روابط بین‌الملل را، از نگاه قرآن بررسی کرده است. همچنین مقالاتی تحت عنوان «جهانی شدن»، نیز به فرهنگ‌سازی بین‌المللی پرداخته‌اند. از جمله مقاله «قرآن، جهانی‌سازی و جهانی شدن»، از محمدرضا آرام در شماره ۴ نشریه مطالعات راهبردی جهانی شدن سال ۱۳۹۰ش به چاپ رسیده است. و نیز مقاله «جهانی شدن و ادیان توحیدی: فرصت‌ها و چالش‌ها» از حسین مسعودنیا که در شماره ۵۵ فصلنامه راهبرد سال ۱۳۸۹ش منتشر یافته است.

بررسی مُدقانه این آثار، گواه آن است که ادیان توحیدی (اسلام، مسیحیت و یهودیت) توانایی و ظرفیت تعامل و هم‌گرایی را دارا هستند. با توجه به این پیشینه در مقاله حاضر، ظرفیت ادیان توحیدی در فرهنگ‌سازی

الگوهای بهینه است. (Capacity Bulding for Sustainable Development: 7)

همچنین گفته شده ظرفیت‌سازی فرآیندی است که توسط آن اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و جوامع توانایی خود را افزایش داده به منظور انجام کارهای اصلی، حل مسائل، مشخص کردن و دستیابی به اهداف، فهم و درک و بررسی نیازها در یک بافت گسترده و در یک موضوع قابل تحمل (International Institute Educational Planning ۲۰۰۶: ۳).

در نوشتار حاضر اصطلاح ظرفیت‌سازی به معنای تبدیل استعدادها بالقوه به استعدادهای بالفعل و تلاش برای ظهور توانمندی‌ها و قابلیت‌هاست.

۴. مفهوم ادیان توحیدی

یهودیت، مسیحیت، اسلام، آیین هندو، بودا، دائو، آیین کنفیوس، آیین شینتو و آیین جین و آیین زرتشت از ادیان توحیدی جهان هستند که در این نوشتار مراد از ادیان توحیدی تنها سه دین مسیحیت، یهودیت و اسلام است.

۵. مفهوم فرهنگ سازی

اصطلاح «فرهنگ»، دارای معانی و مفاهیم متنوع است و در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را به خود گرفته است از جمله: ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت، کتاب لغت، نیکویی، پرورش بزرگی، فضیلت، شکوه‌مندی، هنر، حکمت، شاخ درختی که زیر زمین خوابانند و بر آن خاک ریزند، و نیز تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی (صاحبی، ۱۳۸۴: ۱، ۶۰) بنابراین، واژه «فرهنگ»، به دلیل غیرعینی و انتزاعی بودنش معانی مختلفی را برمی‌تابد؛ اما به طور کلی فرهنگ مجموعه‌ای

بین‌المللی مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد. تاکنون کتاب یا مقاله‌ای تحت این عنوان انتشار نیافته است.

۲. روش تحقیق

در پژوهش حاضر، در راستای نیل به هدف مورد نظر از سه روش توصیفی، تحلیل محتوا و تطبیقی استفاده شده و با یک رویکرد درون دینی، چستی و چگونگی مفهوم فرهنگ‌سازی از منظر ادیان توصیف شده است. آن‌گاه با بیان روش تحلیل محتوا، ظرفیت‌های ادیان و مبانی ظرفیت‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. از آن‌جا که بحث حاضر از دل سه متن مقدس قرآن و عهد قدیم و جدید استخراج گردیده است؛ در برخی موارد با روش بررسی تطبیقی به بیان مسأله مورد نظر پرداخته است.

۳. مفهوم ظرفیت و ظرفیت سازی

«ظرفیت»، مصدر جعلی (معین، ۱۳۷۱: ۲، ۲۲۵۰) و در لغت به معنای گنجایش، وسع، استعداد، قوه، قابلیت است (همان؛ دهخدا، ۱۳۳۵: ۳۳، ۱۱). در اصطلاح تعریف‌های متعددی برای آن بیان شده است؛ چرا که این واژه در کنار واژگانی نظیر سازمان، اجتماع و ... معنای اصطلاحی خاص می‌دهد. در پژوهش حاضر مراد از «ظرفیت»، وجود استعدادهای بالقوه و توانمندی‌هایی است که در ادیان توحیدی به منظور حضور در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی وجود دارد.

اصطلاح دیگری که در کنار واژه «ظرفیت»، به کار می‌رود ظرفیت‌سازی است. نمی‌توان برای اصطلاح ظرفیت‌سازی تعریف واحدی، یافت. از میان تعاریف موجود به دو تعریف اشاره می‌شود. بر اساس تعریف سازمان ملل متحد، ظرفیت‌سازی به معنای ارتقا و توسعه توانایی‌ها در راستای سنجش و ارزشیابی و پاسخ به نیازهای کشور از طریق درک درست سیاست‌ها و

از عقاید، باورها، ارزش‌ها، شیوه‌های تفکر، اخلاق و میراث‌های فرهنگی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

فرهنگ محیط فرافیزیکی انسان است. انسان در دایره فرهنگ به دنیا می‌آید، زندگی می‌کند، و سرانجام در حصار فرهنگ از دنیا می‌رود. بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی فردی و اجتماعی انسان، توسط فرهنگ ساخته و پرورده می‌شود. (سعادت، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۵)

مفهوم فرهنگ‌سازی در نوشتار حاضر با مفهوم فرهنگ به تنهایی، متفاوت است. مراد از فرهنگ‌سازی بین‌المللی در نوشتار حاضر، پرورش روحی معنوی است که بر نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه حاکم است. به عبارت دیگر منظور از فرهنگ‌سازی در عرصه بین‌المللی ایجاد زمینه‌هایی است که به شکل‌گیری یک تمدن توحیدی بینجامد و همه مؤلفه‌های آن بر پایه آموزه‌های اصیل و مشترک ادیان است.

۶. مفهوم فرهنگ در ادیان توحیدی

مفهوم «فرهنگ»، در نگاه ادیان توحیدی یک سیستم است که این سیستم با تمام اجزای جامعه درگیر است و هیچ نظام و حوزه و فردی نیست که در این سیستم قرار نگیرد. این سیستم بر همه نظام‌های ارزشی، فکری و عینی جامعه حاکم است و یک سیستم زنده و پویاست که بر پایه روح استوار است. روح این سیستم را، توحید و یکتاپرستی و عبودیت حق شکل می‌دهد. در تورات آمده است: «ای اسرائیل بشنو، یهوه، خدای ما، یهوه واحد است. پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما» (تثنیه، ۶: ۴-۵) این عبارات با عنوان «الفاظ شهادت» در دین یهود، معروف است. در حقیقت دین یهود از ابتدا بر توحید استوار بوده است. مسأله توحید و یکتاپرستی در دین مسیحیت هم وجود

دارد. گرچه بسیاری از محققان، اعتقاد مسیحیان به تثلیث را نشانه عدم یکتاپرستی آن‌ها می‌دانند؛ اما از نظر یک مسیحی هرگز چند خدا وجود ندارد و او معتقد است که خدای واحد را می‌پرستد. در عهد جدید می‌خوانیم: «و حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی، و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند» (یوحنا، ۳: ۱۷)، «و این که خدایی دیگر جز یکی نیست... لکن ما را یک خداست؛ یعنی پدر، که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم» (اول قرنتیان، ۸: ۴-۶)، «خدا واحد است» (اول تیموتائوس، ۲: ۵). اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین ادیان نیز بر پایه یکتاپرستی و توحید بنا شده است و آیات بی‌شماری بر این موضوع تأکید دارند جمله «لا اله الا الله» در بیش از سی مورد در قرآن کریم استعمال شده است. بنابراین، خدامحوری بنیاد اصلی فرهنگ توحیدی را شکل می‌دهد. از دیدگاه ادیان توحیدی، تقریب بیشتر به این اصل و صیانت افزون‌تر از آن نیز شرط اصلی فرهنگ‌سازی بین‌المللی است. و مرگ همراه با طاعت حق، از زندگی با معصیت برتر است. و این یاد خدا و عبودیت حق است که سبب می‌شود انسان بهترین زندگی را داشته باشد، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). در عهد عتیق نیز به یاد خدا سفارش شده است: «تو را به حضور من خدایان دیگر نباشند... آن‌ها را سجده و عبادت منما» (تثنیه، ۵: ۷-۹) با توجه به تفاسیر کتاب مقدس، واژه عبادت در عهد عتیق به معنای خدمت کردن و اطاعت الهی به کار رفته است و حفظ وصایای خداوند، دلیلی بر طاعت و محبت رب دانسته شده است: «از یهوه خدای خود، بترس و او را عبادت نما و به نام او قسم بخور» (تثنیه، ۶: ۱۳) بنابر آن چه بیان شد، زیربنایی‌ترین اصل در فرهنگ بر پایه ادیان توحیدی، توحید و عبودیت حق است.

صلح و زندگی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره: ۲۰۸). در مکتب اسلام منتشر ساختن صلح و دوستی، از بهترین اخلاق‌ها دانسته شده است. اولین مفسر و معلم بزرگ قرآن می‌فرماید: «آیا به شما از بهترین اخلاق اهل دنیا و دیگر سرا خبر ندهم، گفتند: چرا یا رسول الله فرمود: فاش کردن سلام در همه جهان» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۳، ۱۲). در روایتی دیگر اخلاق این‌گونه تفسیر شده است: «إِنَّ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ قُوَّةٌ فِي دِينٍ وَ كَرَمًا فِي لَيْنٍ وَ حَزْمًا فِي عِلْمٍ وَ عِلْمًا فِي حِلْمٍ وَ تَوْسِعَةً فِي نَفَقَةٍ وَ قَصْدًا فِي عِبَادَةٍ وَ تَحَرُّجًا فِي طَمَعٍ وَ بَرًّا فِي اسْتِقَامَةٍ لَا يَحِيفُ فِيْمَنْ يُبْغِضُ وَ لَا يَأْتُمُ فِيْمَنْ يُحِبُّ وَ لَا يَدْعَى مَا لَيْسَ لَهُ وَ لَا يَجْحَدُ حَقًّا هُوَ عَلَيْهِ وَ لَا يَهْجُرُ وَ لَا يَلْمِزُ وَ لَا يَبْغِي مُتَخَشِّعٌ فِي الصَّلَاةِ مُتَوَسِّعٌ فِي الزَّكَاةِ شَكُورٌ فِي الرَّخَاءِ صَابِرٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ قَانِعٌ بِالذِّلِّ لَهُ لَا يَطْمَعُ بِهِ الْعَيْظُ وَ لَا يُجْمَعُ بِهِ الشُّحُّ يُخَالِطُ النَّاسَ لِيَعْلَمَ وَ يَسْكُتُ لِيَسْلَمَ يَصْبِرُ إِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَكُونَ إِلَهُهُ الَّذِي يَجْزِيهِ يَنْتَقِمُ لَهُ» (شعیری، بی‌تا: ۱۲۳)؛ حتی علم و تکنولوژی نیز بر پایه اخلاق است؛ زیرا آنچه در این فرهنگ‌سازی مهم است کرامت انسان می‌باشد. از میان آیات قرآن، روشن‌ترین آیه که بر کرامت ذاتی انسان دلالت می‌کند این آیه است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰) کتاب مقدس مانند قرآن آفرینش انسان را تجلی رحمت خداوند می‌داند و او را شبیه خداوند و به تعبیر قرآن خلیفه و جانشین خدا می‌داند. در کتاب عهد عتیق می‌خوانیم: «او «آدم»، در صورت حی آفریده شد» (پیدایش، ۱: ۲۷-۲۶) به تفسیر پولس، مفسر آئین عیسی و بنیان‌گذار کاتولیسم، پولس این شباهت را تصریح می‌کند که انسان در قدوسیت و عدالت مانند او، خلق گردید (افسیان، ۴: ۲۵-۲۲). البته در مسیحیت،

از دیدگاه ادیان توحیدی، معنویت بر همه چیز حاکم است. اخلاق زیربنایی‌ترین اصل در تمام نظام‌ها و روابط بین نظام‌ها است؛ زیرا مهمترین عامل موفقیت در فرهنگ‌سازی بین‌المللی به این است که بتواند بیشترین تعداد افراد و جوامع را با خود همراه سازد و لازمه این امر توان نفوذ در دل‌هاست. در اندیشه‌های یهودیت و در کتاب مقدس و تلمود (میشنا و گمارا) «صلح»، همواره نقش محوری داشته است و در تمامی این منابع مکرر تأکید شده است. «صلح» در یهودیت، علاوه بر بعد خارجی، حتی در بعد خانوادگی و شخصی نیز مطرح می‌شود که بر هر کدام از آن‌ها نیز تأکید فراوانی شده است.

حتی هنگامی که جنگ اجتناب‌ناپذیر می‌شود، قبل از شروع جنگ، در زمان جنگ و حتی پس از آن نیز قوانین متعددی برای ممانعت از جنگ و کاهش اثرات تخریبی آن وضع شده است. در میشنا تورات، قوانین پادشاهان آمده است که «شما از هر جنگی منع شده‌اید تا هنگامی که تمامی راه‌های صلح‌آمیز را نیازموده باشید» (تثنیه، ۱۹: ۱). از سوی دیگر شبیخون زدن، حمله به زنان و کودکان، قطع درختان میوه، عدم پافشاری در برخورد صلح‌آمیز، شدیداً منع شده‌اند. از سوی دیگر کسانی که تازه، زنی را عقد کرده‌اند یا خانه نو ساخته‌اند یا باغستان و مزرعه جدید احداث کرده‌اند از شرکت در جنگ منع شده‌اند. قبل از شروع نبرد سرداران سپاه موظفند که با سپاهیان صحبت کنند و کسانی را که ترسیده‌اند از کارزار معاف کنند. چنانچه دشمن تسلیم شود در امان خواهد بود و حتی پس از پیروزی نیز بایستی مرزها و حدود را رعایت کرد (تثنیه، ۱۹-۲۰). از دیدگاه کتاب مقدس «صلح»، محدود به گروه خاص یا زمان و مکان خاصی نیست و خداوند تمام جهان و تمام فرزندان ابراهیم را با صلح برکت داده است (پیدایش، ۱۲: ۲). قرآن نیز به عنوان آخرین دین به

اندیشه گناهکار بودن انسان به علت خطای حضرت آدم وجود دارد (رومیان، ۵: ۱۲-۲۰) که آموزه‌ای را تحت عنوان «فداء» به وجود آورده است. مطابق این آموزه با خوردن آدم (ع) از شجره ممنوعه، نوع انسان به گناه ذاتی مبتلا گشت. خون مسیح تنها کفاره این گناه بود و با مرگ او بشر رهایی یافت (پترسون و دیگران، ۱۳۷۹: ۴۶۹). پس بنا به تصریح انجیل، انسان دیگر نمی‌تواند خود را بازیابی کند و توبه نماید. او شکست می‌خورد و نه از روی اختیار و رحمت خداوند از بازسازی خویش عاجز می‌ماند، بلکه این گناه به صورت ذاتی در گردن نسل آدم (انسان) باقی می‌ماند. افزون بر این مطلب، نقدهای دیگری نیز به این آموزه وارد است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳، ۲۹۱-۳۰۵) حتی وقتی نوزادی تازه از مادرش متولد می‌شود او نیز حامل گناه و عصیان جدش آدم است که باید با آب مطلق غسل تعمید داده شود، تا پاک گردد.

انسان در سایه خدامحوری دارای ارزشی غیرقابل وصف است. اعتقاد به کرامت انسان، سنگ‌بنای وضع قواعد حقوق بشر در فرهنگ ادیان توحیدی است. حقوق بشر صرفاً بر پایه کرامت انسانی توجیه‌پذیر است، بر پایه همین کرامت انسانی، مصادیق حق به رسمیت شناخته می‌شود و چهره یک گزاره صرف، مبتدل به یک اصل حقوق بشری و قاعده‌ای الزام‌آور می‌شود. پاره‌ای از دانشمندان با تأکید بر اینکه عقیده کرامت بشر، اساس ایده حقوق بشر است، امکان ارائه قرائتی سکولار از حقوق بشر را مردود می‌شمارند؛ چرا که ایده قداست حقوق بشر ضرورتاً دینی است، بنابراین حقوق بشر نیز به ضرورت دینی خواهد بود (Michael, 1998, 5-7).

در سایه کرامت انسان است که عدالت‌گستری و ولایت‌پذیری از دیگر مؤلفه‌های اساسی فرهنگ‌سازی توحیدی معنادار می‌شوند. ولایت، به معنای سرپرستی و حاکمیت دیگران است. ولی جامعه اسلامی کسی است که

اجازه تصرف در امور دیگران دارد. از آن جا که همه انسان‌ها در خلقت برابرند، اصل این است که کسی مالک بر دیگری نیست و تنها خداوند متعال است که مالک حقیقی همه چیز می‌باشد و حق تصرف در امور انسان‌ها را دارد و بر همین پایه است که اصل در تمدن اسلامی، که پیامبر (ص) پایه‌گذار آن و اهل بیت (ع) مروّجان این تمدنند، ولایت خداوند متعال است. و این ولایت را خداوند به برخی از بندگان برگزیده خود عطا نموده تا به هدایت مردم بپردازند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا الَّذِينَ فِي شَيْءٍ فَرَدُّهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۹). در عهدین، مفهوم ولایت به شکل دیگری مطرح است. در مسیحیت اجتماع دینی، حیات و نیروی خویش را بر انجام کارهای خارق‌العاده از مسیح می‌گیرند؛ زیرا مسیح حواریون را بر اخراج ارواح پلید و شفا دادن هر رنج و مرضی قوت بخشید (متی، ۱۰: ۲۰). قدرت اعجاز را او به ایشان بخشید (همان، ۱۰: ۱)، و دستوره‌ای دیگری به ایشان داد (همان، ۱۰: ۸-۴۱)، اجازه فتوی را به پطرس داد و به او گفت: «من کلیدهای ملکوت خدا را در اختیار تو می‌گذارم تا هر دری را بر روی زمین ببندی، در آسمان بسته شود، و هر دری را بگشایی در آسمان نیز گشوده شود» (همان، ۱۶: ۱۹). این عبارت؛ یعنی بخشیدن ولایت به پطرس.

در جای دیگر این اختیار شمول بیشتری یافته و این اقتدار به عموم مؤمنان تفویض گردیده است (همان، ۱۸: ۱۵-۲۰) و استنباط کلیسا این بود که در این‌باره اختیار به کلیسای عام داده شده است و مجمع «۱۸۶۹م» عصمت پاپ را مقرر داشت و حق تشریح به ریاست کلیسا رسید. مسیحیان عصمت کلیسا را به عیسی نسبت می‌دهند (رامیار، ۲۷۷: ۱۳۵۰).

رفیعی برخوردار است و به همین میزان چه سهمی باید برای آن در شکوفایی تمدن و فرهنگ توحیدی قائل شد. البته باید توجه داشت که علم و دانش در هر دو بعد مادی و معنوی، در فرهنگ‌سازی بین‌المللی نقش آفرین است. خداوند متعال به برتری علم و دانش و مقام علماء در قرآن کریم اشاره دارد و می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله: ۱۱). در فرهنگ اهل بیت (ع) همه علوم هدف واحدی دارند که عبارتست از، شناخت خداوند متعال. امام صادق (ع) می‌فرماید: «تمام علم و دانایی را که بر مردم لازم است بدانند، در چهار چیز یافتیم: اول اینکه پروردگارت را بشناسی، دوم اینکه بشناسی چه چیز در (ساختمان وجود و هستی) تو بکار برده، سوم اینکه بشناسی چه چیز از تو خواسته است، و چهارم این که بشناسی چه چیز تو را از دین و آئینت بیرون می‌برد» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱، ۵۰). بنابراین، علم به طور کلی ناظر به هدف، غایت و کاربرد است و غایت‌های آن دارای مراتب است؛ یعنی هر چند هدف اولیه از علوم تجربی، شناخت و بهره‌برداری از جهان طبیعت است؛ اما هدف نهایی و اصلی، شناخت حق تعالی و پرستش و تقرب اوست که هدف اولیه نیز در پرتو آن دارای معنا می‌شود. اما علم در کتاب مقدس، به معنای صفتی از صفات خداوند، وارد شده است که تمام حوادث را قبل از وقوع عالم می‌داند (اول قرنیتان، ۲: ۲۳)؛ و این علم ازلی است (همان، ۱۵: ۱۸) که بدان است صواب حضرت اقدس الهی، مؤمنین را از برای اطاعت خود برگزیده است (پیدایش، ۲: ۱). هر چند در کتاب مقدس به موضوع علم الهی اشاره شده است، اما بر خلاف قرآن کریم کتاب مقدس چندان به اهمیت علم و برتری علماء توجه ندارد.

از آنجا که آن چه آموزه‌های ادیان توحیدی در بعد فرهنگ و فرهنگ‌سازی مطرح می‌نمایند بر پایه نگرش

عدل به معنای «وضع الشيء في موضعه وإعطاء كل ذي حق حقه» است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶: ماده عدل). در اهمیت عدل همین بس که در قرآن کریم، خداوند انگیزه بعثت انبیاء را اقامه عدل می‌شمرد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). عدالت، در عهد قدیم و جدید نیز دارای اهمیت است. در مسیحیت کلامی برجسته از حضرت مسیح (ع) روایت شده که به "قانون زرین [Golden Rule]" شهرت یافته است. در یکی از مواظ عیسی مسیح (ع) این‌طور آمده است: «آن چه خواهید که مردم به شما کنند، شما نیز به آنها همچنان کنید» (متی، ۷: ۱۲). پیروان مکتب انجیل عده‌ای که از دسته آزاداندیشان مسیحی بودند، مقصود از ملکوت خدا را اجتماعی می‌دانستند که در آن همه در برادری و همکاری و عدالت با یکدیگر زیست می‌کنند. این جامعه ایده‌آل، جامعه‌ای است که خود انسان می‌تواند با کمک خدا بنا کند. بر این مبنا یکی از ابعاد فرهنگ‌سازی بین‌المللی، «انصاف» است. در فرهنگ توحیدی انصاف حاکم است و حق هر صاحب حقی باید اداء شود. قابل ذکر است که در فرهنگ‌سازی بین‌المللی، گستره عدل در همه ابعاد فردی و اجتماعی مورد نظر است؛ فرهنگ توحیدی، افراد را در فکر و اندیشه، احساسات و گرایش‌ها و در رفتار به عدالت دعوت می‌کند و حق هر مستحقی در حوزه‌های مختلف اجتماع اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ، قضاوت و مانند آن به او پرداخته می‌شود و ظلمی به کسی روا داشته نمی‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «الناس في الحق سواء» (دشتی، بی‌تا: ۴۴۹).

علم و دانش‌آموزی از دیگر اموری است که در فضای فرهنگ توحیدی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. با توجه به آموزه‌های قرآن کریم نیازی به استدلال ندارد که بدانیم علم و دانش در اسلام از چه جایگاه

عدالت‌گستری آن را شکل داده و با کارکرد انسان‌هایی مزین به روح فرهنگ توحیدی، تمدن توحیدی شکل می‌گیرد. رشد این تمدن به میزان تولید فکر و اندیشه، قدرت و ثروت بستگی دارد.

۷. ظرفیت‌های ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی

استخراج مفهوم فرهنگ بین‌المللی، با رویکرد درون دینی با محوریت سه متن مقدس قرآن، عهد قدیم و عهد جدید، مدلی را از ظرفیت‌های ادیان توحیدی ارائه می‌دهد که بر اساس آن می‌توان به دو گونه از ظرفیت تحت عنوان ظرفیت‌های زیرساختی یا مبنایی و ظرفیت‌های روساختی یاد نمود.

۷-۱. ظرفیت‌های زیرساختی یا مبنایی ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی

ظرفیت‌های زیرساختی، ظرفیت‌هایی است که می‌توان به عنوان مبنای ظرفیت‌های ادیان توحیدی از آن یاد نمود. بدون ظرفیت‌های پایه‌ای و زیرساختی نمی‌توان از ظرفیت‌ها و ظرفیت‌سازی ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی یاد نمود. زمانی که هدف ظرفیت‌سازی ادیان توحیدی، در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی است باید به مبنای کار توجه داشت و بدون وجود مبنای مشترک لازم نمی‌توان از ادیان توحیدی انتظار فرهنگ‌سازی در عرصه بین‌المللی داشت. خوشبختانه مطالعه و بررسی اجمالی سه دین اسلام، مسیحیت و یهودیت نشان می‌دهد مبنای مشترک یا زیرساخت‌های لازم برای فرهنگ‌سازی در عرصه بین‌المللی وجود دارد و این سه دین می‌توانند در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی ایفای نقش کنند.

توحیدی و نگاه عمیقی است که برخاسته از نگاه خاص به انسان و تعامل انسان با محیط پیرامون و تعامل انسان با خداست، انسان اخلاقی وارسته و فرهیخته، نیز یک دستاورد فرهنگی محسوب می‌شود که نتیجه آن همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع بشری است. انسان اخلاقی که دستاورد تمدن و فرهنگ توحیدی است، فردی است که همه تلاشش خدمت به خلق خداست. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء: ۸) در روایات داریم: «خِدْمَةُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ دَرَجَةٌ لَا يُدْرِكُ فَضْلَهَا إِلَّا بِمِثْلِهَا» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲، ۴۲۹). در اسلام عمل مستحبی، برتر از خدمت به خلق خدا و برآوردن نیازهای انسان مؤمن نیست. امام صادق(ع) می‌فرماید: «برآوردن حاجت مؤمن، از آزاد کردن هزار بنده و سوار کردن بر هزار اسب در راه خدا برتر است» (کلینی، ۱۳۸۸: ۲، ۱۹۳). در نگره مسیحیت، انسان اخلاقی وارسته وارد دنیا یا ملکوت خدا و مسیح می‌گردد. در نامه به مسیحیان افسس آمده است: «این حقیقت مثل آفتاب روشن است، دنیایی که خدا و مسیح در آن سلطنت می‌کنند، جای افراد بی‌عفت و طمع‌کار نیست، کسی که به مال و ناموس دیگران طمع دارد، بت‌پرست است، چون مال این دنیا را از خدا بیشتر دوست دارد و می‌پرستد» (افسس، ۵: ۵).

خلاصه این که فاسقان و بت‌پرستان و زانیان و متنعمان و لواط و دزدان و طمع‌کاران و می‌گساران و فحاشان و ستمگران و همه کسانی که مرتکب گناهان کبیره می‌شوند، وارث ملکوت خدا نخواهند شد (مفتاح، ۱۳۸۴، به نقل از Schaff.15).

بنابر آنچه مطرح شد، فرهنگ توحیدی از منظر ادیان، فرهنگی است بر اساس نگرش توحیدی که معنویت، علم، اخلاق، کرامت انسان، ولایت‌پذیری و

۷-۱- ظرفیت تعامل و ارتباط ادیان با یکدیگر

اولین و زیربنایی‌ترین مسأله‌ای که در بحث ظرفیت‌های ادیان توحیدی، در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی باید به آن توجه شود، وجود ظرفیت تعامل و ارتباط خود ادیان با یکدیگر است. در صورتی که ادیان توحیدی صاحب چنین ظرفیتی به منظور تعامل با خود نباشند، چگونه می‌توانند در عرصه‌های بین‌المللی ایفای نقش کنند؟ مطالعه و بررسی سه دین توحیدی اسلام، مسیحیت و یهودیت نشان می‌دهد، ادیان توحیدی این قابلیت تعامل با یکدیگر را دارا هستند. آیات قرآن انسان‌ها را در اصل آفرینش از یک نفس واحد می‌داند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء: ۱) و نیز قرآن همه انسان‌ها را یک امت واحد می‌داند «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره: ۲۱۳) لذا وجود ظرفیت تعامل و هم‌گرایی در عرصه روابط بین‌المللی در قرآن اصل مسلم است. پیام جهانی شدن، پیام واحدی برای نوع بشریت است، خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره: ۱۳۶) و آن پیام، پیام بندگی خدا و اجتناب از طاغوت است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶) و این پیام همسو و هماهنگ با فطرت انسانی است «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰). در اسلام برنامه تشکیل امت واحد جهانی وجود

دارد، آیه ۵۵ سوره آل‌عمران؛ موجودیت آیین مسیح(ع) را تا قیامت اثبات می‌نماید و آیات ۷ و ۸ سوره اسراء آیین یهود را به مثابه مسیحیت تا پایان جهان یاد کرده است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲، ۳۴). اسلام یکی از ظرفیت‌های وجودی خود را، امکان برقراری ارتباط و تعامل با سایر ادیان می‌داند. این موضوع در کتاب مقدس نیز مشهود است. در تورات دستورات اخلاقی وجود دارد که انسان‌ها در ارتباط خود با هم نوع باید رعایت نمایند. اساس این عقیده که خداوند از آفریدگان و بندگانش خواسته است که رفتاری معقول و مهربانانه با یکدیگر داشته باشند، در آموزه‌های کتاب مقدس است؛ آن‌جا که می‌گوید، انسان به صورت خداوند، آفریده شده، کسب والاترین درجه ممکن از کمال و خودشناسی در این است که خود را تا حد امکان، شبیه به خداوند گرداند. این سخن را می‌توان پایه و شالوده مهم‌ترین و منحصر به فردترین اصل اخلاقی تورات؛ یعنی تقلید کردن از خدا دانست. در آیاتی چند از تورات، به اصل اخلاقی فوق اشاره شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: «شما همگی مقدس هستید؛ زیرا من به عنوان پروردگار شما، مقدس‌م. و اینک ای بنی اسرائیل، خداوند از شما می‌خواهد که از او بترسید، در مسیر او گام بردارید، به او عشق بورزید، و پروردگار خویش را با تمام وجود عبادت کنید. و پروردگار، تو را برای انسان‌هایی مبعوث کرد که در نزدش مقدس هستند؛ به شرط این که همان‌گونه که به تو سوگند یاد کرد، فرمان‌های او را اجرا کنند و در مسیر او گام بردارند» (لاویان، ۱۹: ۲-۵). در مسیحیت نیز آموزه «ملکوت» خدا حاکی از تعامل انسان‌ها با یکدیگر است. گزارش‌های اناجیل از ملکوت خدا نشان می‌دهد که ملکوت، از سنخ روحانی و دارای یک فرآیند است که به سمت تکامل پیش می‌رود. آنچه بیش از همه در تکامل ملکوت مؤثر است، نقش فعال مؤمنان به مسیح در فرآیند

تکامل است. عیسی از همه پیروانش می‌خواهد که با پیاده نمودن فعال اراده الهی و اشاعه انجیل مسیحیت، حتی در دورترین نقاط کره زمین، در راه تکمیل این هدف الهی تلاش و دعا کنند (لوقا، ۱۲: ۳۲؛ متی، ۲۰: ۱۰-۲۵؛ یوحنا، ۱۵: ۱۸) و این هدف تنها با ارتباط و تعامل هم‌نوعان قابل بررسی است.

بنابر آنچه مطرح شد در نگره متون مقدس، امکان تعامل و ارتباط بین سه آیین اسلام، مسیحیت و یهودیت وجود دارد. و این مبنایی‌ترین اصل در بحث ظرفیت‌های ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی است که بدون آن بحث از ظرفیت‌های ادیان توحیدی، عبث خواهد بود. علت امکان وجود این تعامل و ارتباط به مباحث مشترکی بر می‌گردد که در ادیان توحیدی وجود دارد. بنابراین، نه تنها مسلمان‌ها امت واحدند، بلکه مسلمان‌ها و مسیحی‌ها و کلیمی‌ها و همه پیروان انبیای الهی یک امت‌اند؛ زیرا معتقد به مبدأ و مرجع و معاد و اصل رسالت و مانند آن هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۰۸) وجود همین اعتقادات زمینه تعامل و ارتباط را فراهم می‌نماید.

۷-۱-۲. ظرفیت تعامل و ارتباط ادیان توحیدی با جهانیان

ادیان توحیدی، به منظور فرهنگ‌سازی در عرصه بین‌المللی در اولین مرحله قادر به تعامل و ارتباط با یکدیگرند. در مرحله دوم ظرفیت تعامل با کل انسان‌ها در ادیان توحیدی مطرح است. ادیان توحیدی، ظرفیت و قابلیت ارتباط با همه جهانیان را نیز دارند؛ زیرا رعایت اصل عدالت یکی از مبانی تعامل ادیان توحیدی است. قرآن یکی از رسالت انبیاء را برقراری عدل می‌داند (حدید: ۲۵) اما جالب است در هیچ یک از آیات قرآن رسالت انبیای الهی مجبور کردن مردم به پذیرش دین و

آیین نبوده است. و نیز خداوند به پیامبر خویش دستور می‌دهد هرگاه که اهل کتاب دچار اختلاف حقوقی شدند و به دادگاه اسلامی پای نهند، یا اختلاف‌شان را حل کند و یا آنان را به دادگاه اهل کتاب باز فرستد: «... فَإِنْ جَاؤُكَ فَاخْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاخْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده: ۴۲) پیامبر اسلام (ص) قوام حقیقت حیات انسانی را، مبنی بر اصل عدالت دانسته است. از این رو دادگری، همانند اصل توحید ریشه در نظام تکوین دارد (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۴، ۱۰۳) به علاوه، رعایت اصل عدالت، به حیظه زندگی اجتماعی مسلمانان محدود نمی‌شود، بلکه آنان مکلف‌اند با نامسلمانانی که به آن‌ها ستم نکرده‌اند با عدالت رفتار کنند: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸)

موضوع عدالت با هم‌نوع و سایر انسان‌ها حتی آنان که در جنگ با پیروان ادیان توحیدی هستند از اصول مسلم کتاب مقدس است. در عهد عتیق نکاتی در مسؤلیت انسان در برابر هم‌نوع دیده می‌شود که حاکی از قابلیت این دین در برخورد و تعامل با جهانیان است. «همان‌طور که او برهنگان را جامه پوشانید، انسان نیز باید برهنگان را جامه بر تن کند (سفر پیدایش، ۳: ۲۱). همان‌طور که خدا مرده را دفن کرد (سفر تثنیه، ۳۴: ۶) او نیز مردگان بی‌کس را به خاک بسپارد» (سوطا، ۱۴ الف). «در تمامی طریق‌های او رفتار نمایید» (سفر تثنیه، ۱۱: ۲۲) چنان‌که گفته شد: «خداوند، خدایی رحیم و با شفقت، دیرخشم و کثیر احسان و حقیقت است» (سفر خروج، ۳۴: ۶) و نیز گفته شده است: «و واقع خواهد شد هر که به نام خداوند خوانده شود، نجات خواهد یافت» (یوتیل، ۲: ۳۲)؛ یعنی همان‌طور که خدای حاضر در همه جا رحیم و شفیق

شریعه مختلف است: «...لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَاجًا...» (مائده: ۴۸). بر همین اساس که خطوط کلی دین مانند قیامت، بهشت، جهنم، وحی و رسالت، عصمت و... اموری ثابت‌اند، هرگز نسخ در آن راه پیدا نمی‌کند، به همین جهت ادیان مصدق یکدیگرند: «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۰).

خطوط کلی معارف قرآنی درباره خدای سبحان و اسمای حسناى الهی و مانند آن در تورات و انجیل نیز آمده است. درستی خطوط کلی آن کتاب‌ها به گونه‌ای است که یهودیان و مسیحیان اگر به آن کتاب‌های آسمانی عمل کنند، مسلمان خواهند شد؛ از این‌رو گاه خدای سبحان می‌فرماید: اگر به حقیقت و واقع یهودی یا مسیحی هستید، چرا تورات و انجیل را پنهان کرده و فهم آن را در انحصار کلیسا و کنیسه و بیع درآورده‌اید: «قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ» (آل عمران: ۹۳)، (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶، ۲۰۹).

همکاری و همگرایی میان ادیان و تأکید بر آموزه‌های اخلاقی مشترک در قالب نوعی الهیات جهانی سبب تبدیل دین به اندیشه فراملی در حوزه سیاست جهانی شده است. اندیشه فراملی به معنای آن است که بسیاری از ملت‌ها مفاهیم و انگاره‌های مشترک را معیار قرار داده و به آن ارجح می‌نهند. اکنون بسیاری از مفاهیم و واژه‌های تشکیل‌دهنده گفتمان الهیات جهانی نظیر صلح، دوستی و حقوق بشر مفاهیمی جهانی تلقی شده که وارد عرصه سیاست جهانی گردیده است.

۲-۷. ظرفیت‌های روساختی ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی

پس از اثبات ظرفیت‌های مبنایی ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی، با توجه به مفهوم‌شناسی فرهنگ در ادیان توحیدی می‌توان به ظرفیت‌هایی اشاره

است، مؤمن نیز باید رحیم و شفیق باشد. همان‌طور که ذات قدوس متبارک عادل خوانده شده است» (مزامیر، ۱۷: ۱۴۵) در مسیحیت نیز، ظرفیت تعامل و ارتباط با هم‌نوع به دلیل وجود برخی مبانی اخلاقی وجود دارد. بعد از فرمان به اطاعت خدا، مهم‌ترین فرمان این است که انسان باید حیات انسانی را محترم شمرد از آن‌جا که انسان‌ها به صورت خدا آفریده شده‌اند، از بین بردن حیات انسان به معنای از بین بردن صورت خداست. به علاوه، هر نوع حیات انسانی حیاتی است که عیسی برای آن قربانی شد و بنابراین بسیار با ارزش است. عیسی گفت: «شنیده‌اید که به اولین گفته‌اند: همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت مکن. اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن‌کنندگان خود برکت بطلبید و به آنان که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید تا پدر خود را، که در آسمان است، پسران شوید؛ زیرا که آفتاب خود را بر بدن و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌بارد... پس کامل باشید چنان که پدر شما، که در آسمان است کامل است» (متی، ۵: ۳۸).

۳-۱-۷. ظرفیت ارائه الهیات جهانی

سومین اصل زیربنایی و مبنایی ادیان توحیدی در عرصه فرهنگ‌سازی بین‌المللی، قدرت ارائه الهیات جهانی بر اساس خطوط مشترک هستند. همه انبیای که دین آورده‌اند، پیروان‌شان نیز امت واحد به شمار می‌روند: «یا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ * وَ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَتَّقُونِ» (مؤمنون: ۵۱-۵۲) کلمه «هذه» در این آیه، اشاره به گروهی خاص نیست، بلکه پیروان تمامی انبیای الهی را در برمی‌گیرد. اختلاف شرایع نیز بدان معناست که همه از نهر بزرگ دین سیراب می‌شوند؛ ولی راه‌های ورود به

به موازات هم حرکت می‌کنند، بلکه در اندیشه اسلام وحی پایه علم است و این وحی است که به علم جهت می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» (یس: ۳۶) این آیه، در حقیقت به زوج بودن تمام اشیاء اشاره دارد و مسئله علمی را در قالب وحی، عرضه می‌دارد.

۷-۲-۲. ظرفیت تلفیق زندگی مادی و معنوی

پیروان ادیان در جهان امروز صرفاً در معرض خطابه‌ای از اندیشه‌های دین قرار گرفته است، بنابراین همین که وارد عرصه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌شود، با تناقض‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود. اصولاً نظم اجتماعی مسلمانان در شرایط فعلی به آن‌ها تعلق ندارد و از مراکش تا قزاقستان، تناقضات جدی میان باورهای مکتوب و واقعیات محیطی در زندگی مسلمین وجود دارد. برای حل و فصل این تناقضات باید دانست تا چه اندازه نظم اجتماعی موجود در دنیای اسلام با اندیشه و اصول ثابت دینی و اسلامی تفاهم و تراحم دارد؟ عموماً مسلمانان تفکیک زندگی معنوی از زندگی مادی را پیش گرفته‌اند. بدین صورت که زندگی معنوی از اسلام نشأت می‌گیرد و زندگی مادی به عناصر و عوامل بین‌المللی وابسته است. این در شرایطی است که برای فرهنگ‌سازی ابعاد معنوی و مادی باید در یک چارچوب واحد رشد و نمو کنند و کلیت حیات مسلمین را در بر گیرند. در فرهنگ اسلامی انسان‌ها باید در هر دو زمینه فعال باشند. روایتی طولانی با تکیه بر آیه شریفه قرآن تصویر انسان موفق در فرهنگ اسلامی را این گونه رسم می‌کند: «بدانید ای بنده‌های خدا که پرهیزکاران خیر این دنیا و دیگر سرا را به دست آوردند، با مردم دنیا در دنیایشان شریکند و اهل آخرت در زندگی آخرت آن‌ها

نمود که وجود آن‌ها در ادیان توحیدی می‌تواند به فرهنگ‌سازی بین‌المللی بینجامد. در ظرفیت‌های زیرساختی وجود همه موارد در هر یک از ادیان مهم است؛ اما در ظرفیت‌های روساختی ادیان، وجود هر یک از مبانی در یکی از ادیان نیز کافی است. از جمله ظرفیت‌های روساختی ادیان توحیدی می‌توان به تلفیق عقل و وحی، تلفیق زندگی مادی و معنوی، تولید دانش، تولید قدرت و تولید ثروت اشاره نمود.

۷-۲-۱. ظرفیت تلفیق عقل و وحی

در معارف و آموزه‌های ادیان رشد و بالندگی، مرهون تلفیق عقل و وحی است. بدون علم نمی‌توان به مبانی فکری و ارزشی ادیان فعلیت بخشید و تلفیق مطلوب وحی و علم نیز به این علت آورده شده است. دین جهان‌بینی عرضه می‌کند و علم ابزار؛ علم فی‌نفسه امری منفی نیست و در شرایطی که دین به نوع بهره‌برداری از علم جهت دهد، مطلوب خواهد بود. هیچ فعالیت کیفی در هیچ حوزه‌ای نمی‌تواند به ثمر رسد، مگر این که به علم مجهز شده باشد. همین موضوع است که امام علی(ع) می‌فرماید: «از مردم دنیا دو نفر پشت مرا شکست؛ یکی مرد سخنور بدکردار و دیگر مرد نادان عابد که آن یکی به کمک زبان بر کارهای زشت خود پرده می‌کشد و این دیگری با عبادتش نادانی خویش را پنهان می‌کند. از دانشمندان گنهکار و عبادت‌کنندگان نادان پرهیزید که هم اینان باعث گمراهی گمراهان می‌باشند من از رسول خدا(ص) شنیدم فرمود: یا علی! گمراهی امت من بدست سخنوران منافق و دو رو است» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲، ۱۰۶). به همین سبب است که علم و وحی را در مدل فرهنگ اسلامی از هم جدا نمی‌کنند. حتی در تمدن اسلامی نمی‌توان گفت: علم و وحی دو بال تمدن هستند. این سخن اشتباه است؛ زیرا در این صورت علم و وحی

۳۰۸). در عهد قدیم و جدید، نیز پیوند معنویت و مادیات دیده می‌شود. اصولاً در هر دینی که بحث از زندگی دنیوی و اخروی است اشاره به معنویات در کنار مادیات دارد.

۷-۲-۳. ظرفیت تولید دانش

تولید علم و دانش در ادیان توحیدی ستوده شده است، اما این موضوع به گونه‌ای در اسلام بیان شده است که نیازی به بیان این مسأله در یهود و مسیحیت نیست. اسلام، راه فرهنگ‌سازی در عرصه بین‌المللی را تولید علم و دانش می‌داند. تولید دانش یا جنبش نرم‌افزاری یک اصل بنیادی در فرهنگ‌سازی اسلامی است حضرت علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «فضیلت درک و فهم مطالب علمی به مراتب نافع‌تر از فضیلت تکرار و خواندن و فراگرفتن آن است و کسی که در آموخته‌های خود بسیار بیندیشد، دانش خود را استوار ساخته و به فهم مطالبی که نمی‌فهمد نائل می‌گردد» (فلسفی، ۱۳۷۹: ۱، ص ۳۲۸) و کلید فهم، سؤال علمی است که در آموزه‌ها و روایات اهل‌بیت(ع) بسیار به پرسش علمی سفارش شده است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ عَلَيْهِ قَوْلٌ وَ مَفْتَاخُهُ الْمَسْأَلَةُ» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱، ۴۰). از دیدگاه اسلام، علم‌آموزی واجب است، هر چند که علم‌آموزی از کفار باشد. وجود این نوع از تفکر سبب شده تا مسلمانان در مواجهه با دانش و فرهنگ سایر ملل با آزاد اندیشی و عدم تعصب برخورد کرده و از معارف بشری سود جویند. امام علی(ع) می‌فرماید: «سزاوار است انسان عاقل رأی خردمندان را به رأی خود بیفزاید و دانش علما را بر دانش خویش اضافه کند» (فلسفی، ۱۳۷۹: ۲، ۹). برخورداری از روحیه تساهل و تسامح علمی، پیروان اسلام را قادر کرد تا بدون تنگ‌نظری و با وسعت نظر به علوم و دانش‌های دیگران نظر کنند. وجود این روحیه در میان مسلمانان، باب

شریک نیستند، خدا برایشان در دنیا روا کرده آن‌چه برای آن‌ها کافی است. خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»؛ در دنیا در منزلی بهتر از آنان ساکن شدند و خوراکی برتر از آن‌ها خوردند، شریک دنیابند با دنیاداران و خوردند با آنان از آن‌چه خوردند و نوشیدند از آن‌چه نوشیدند و پوشیدند از بهترین جامه که پوشند و زناشوئی کردند برتر زناشوئی آنان، و سوار شدند بر مرکب بهتر، به کام دنیا رسیدند با دنیا داران و آنان فردا همسایه‌های خدایند و از او در خواست کنند و به آن‌ها دهد آن‌چه خواهند، درخواستی از آنان رد نکند، و بهره‌ای از لذت آن‌ها نکاهد. ای بنده‌های خدا هر کس خردمند باشد به آن شیفته می‌شود و راه تقوی را می‌پیماید» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲، ۲۳-۲۴). اساس فرهنگ اسلامی این است که معنویات، مادیات را می‌سازد و این اصل امروزه در جامعه اسلامی کم رنگ است و اگر بخواهیم فرهنگ اسلامی شکوفا شود، باید زندگی مادی و معنوی ما هر دو از یک اصل نشأت گیرد که آن قرآن و سنت است. از دیدگاه اهل‌بیت(ع) فراموشی این دو اصل اساسی (قرآن و سنت) مرگ تمدن اسلامی را در پی خواهد داشت: «به زودی بر امت و پیروان من روزگاری خواهد آمد که از قرآن جز رسم و نشانه آن باقی و بجا نمی‌ماند، و از اسلام جز نام آن، به آن اسلام نامیده می‌شوند (آنان را مسلمان می‌گویند) در حالی‌که دورترین مردم‌اند از آن (زیرا رفتارشان بر خلاف آن است) مساجد و جایگاه‌های عبادت و بندگی‌شان (در ظاهر و آشکار) معموره و آباد شده و (در باطن و نهان) از هدایت و راهنمایی ویران است، فقهاء و دانایان به احکام آن روزگار بدترین فقهاء زیر آسمان‌اند، از ایشان فتنه و تباهکاری بیرون می‌آید و به ایشان باز می‌گردد» (کلینی، ۱۳۸۸: ۸

تمدن نوین اسلامی به شکوفایی می‌رسد که در بعد سیاسی کشور و جامعه اسلامی بتواند به قدرت برسد. چگونه است که امروزه اسرائیل سه میلیونی در صنعت و علم و اقتصاد بر اعراب صد میلیونی چیره می‌شود؟ مسلمانان همین که به قدرت سیاسی دست یافتند، باید در فکر مدیریت کارآمد و ایجاد یک جامعه مبتنی بر قسط شوند که این امر خود به نظریه، اجماع نظر، قدرت مادی و امکانات برای تربیت انسان‌های مذهب و ساختارهای خودگردان نیاز دارد. دستیابی به چنین وضعیتی کار انسان‌های نخبه و متفکران جامعه است.

۷-۲-۵. ظرفیت تولید ثروت

یکی از ظرفیت‌های ادیان، تولید ثروت است و از آن‌جا که پایه فرهنگ توحیدی ادیان بر خدامحوری استوار است تولید ثروت در جامعه بر اصول اخلاقی بنیان نهاده شده است. در بینش اسلام کار کردن برای کسب درآمد یک وظیفه‌ی الهی است. در سیره‌ی معصومان(ع) در اهمیت کار و کوشش و میزان اهتمام آنان به این امر، همین مقدار کافی است که دانسته شود معصومان(ع) از طریق مشاغل متعارف زمان خود، مانند چوپانی، زراعت و تجارت زندگی خود را تأمین می‌کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۳، ۱۶).

در آموزه‌های اسلام مال و ثروت، وسیله تأمین نیازمندی‌ها و سبب قوام جامعه دانسته شده است و در نتیجه کنز و راکد نگه داشتن آن ممنوع و مردود شناخته شده است. در قرآن کریم این عده به شدت مورد توبیخ و تهدید قرار گرفته و به آنان وعده‌ی عذاب دردناک داده شده است که این امر، بیانگر پیامدهای جبران‌ناپذیر کنز اموال در جامعه را دارد. به تعبیر علامه طباطبایی در تفسیر آیه «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَتَّقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ

گفتگو، مباحثه، مجادلات و مناظرات علمی و تبادل افکار و آراء و نظریه‌ها را در جامعه اسلامی گشود و محافلی از دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان تشکیل شد. این تولید دانش هر دو دانش دینی و مادی را شامل می‌شود؛ زیرا وقتی در فرهنگ اهل‌بیت(ع) علم‌آموزی از کفار هم واجب است نشان می‌دهد مراد، علم غیر دینی است و علم دین را نمی‌توان از کفار اندوخت.

شایان ذکر است در کتاب مقدس، چه در عهد قدیم و چه در عهد جدید به تولید علم اشاره‌ای نشده است؛ زیرا مبنای مسیحیت و یهودیت بر تعارض علم و دین است از این رو علم و دین را جدا از هم می‌انگارند.

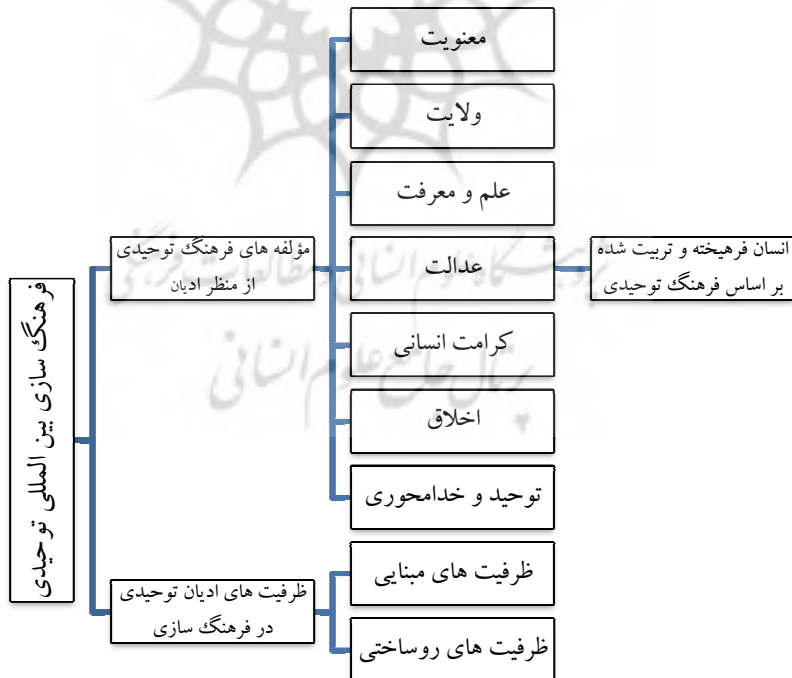
۷-۲-۴. ظرفیت تولید قدرت

از منظر ادیان توحیدی، سیاست عین دیانت است. گواه این مدعا سیره انبیاء و ائمه اطهار(ع) است؛ هر یک از آن ذوات مقدس در تدبیر امور جامعه و به دست گرفتن حکومت، در حد توان تلاش و کوشش می‌کردند؛ از این‌رو، کسانی که سیاست را جدای از دیانت می‌دانند، نمی‌توانند مدعی پیروی از دین توحیدی باشند. روایات در این زمینه زیاد است از جمله روایتی است که صدوق نقل می‌کند: فضل بن شاذان از امام رضا(ع) پرسید: چرا خداوند دستور داد که از اولوالامر اطاعت کنید؟ حضرت در ضمن جواب فرمودند: اگر خداوند امامی که امین و حافظ دستورات الهی باشد برای مردم قرار ندهد دین از بین می‌رود و سنت‌ها و دستورات الهی دگرگون می‌گردد (صدوق، بی‌تا: ج ۱، ۱۸۲) و نامه امیرالمومنین به مالک اشتر و ... همه دلالت بر عدم تفکیک سیاست از دین دارند. از آن‌چه گذشت روشن می‌شود که جدایی دین از سیاست در مورد اسلام به هیچ وجه صادق نیست و بخش عظیمی از معارف و آموزه‌های اسلامی شامل مسائل سیاسی و اجتماعی است. از دیدگاه اهل بیت(ع) زمانی

جامعه دینی را شامل می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹، ۳۳۴-۳۳۲).

در عهد قدیم و جدید نیز اشاراتی به تولید ثروت و کمک به نیازمندان قدرت شده است، از جمله در سفر خروج می‌خوانیم: «... هنگامی که می‌روید چنین خواهد شد که دست خالی نخواهید رفت. هر زنی از همسایه‌اش و از خانم ساکن خانه‌ی خود ظروف نقره و ظروف طلا و لباس‌هایی درخواست نموده، بر پسران و بر دختران خود خواهد پوشانید و مصر را خالی خواهید کرد.» (خروج، ۱۲: ۳۶) اما قرآن و متون اسلامی به این موضوع به صورت جامع پرداخته است. از این رو به بحث درباره این موضوع در کتاب مقدس نمی‌پردازیم.

جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ اَظْهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (توبه: ۳۵-۳۴) این گونه است مفهوم «کنز» بیانگر نگهداری، ذخیره و منع جریان مال در معاملات است و مفهوم «فی سبیل الله» نماینده‌ی هر چیزی است که بر پایه‌ی دین خدا و جلوگیری از فروپاشی بین آن‌ها آن هم چون جهاد، مصالح واجب دین و امور جامعه‌ی اسلامی، به آن بستگی دارد. پس هرکس مال را به خود اختصاص دهد «کنزتم لانفسکم»، به خدا و پیامبرش (در امانتی که او سپرده شده) خیانت کرده است و اگر ثروت خود را هر چند زیاد در چرخه‌ی سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و تجاری قرار دهد و به دیگران خدمت کند، هیچ‌گونه منعی ندارد. بنابراین، این آیه اختصاص به نکوهش و نپرداختن زکات ندارد، بلکه جلوگیری از گردش اموال در تأمین همه‌ی ضروریات



نتیجه

- فرهنگ توحیدی بین‌المللی از دیدگاه ادیان، فرهنگی است که همه مؤلفه‌های آن بر پایه توحید استوار است. آموزه‌های متون مقدس فرهنگ توحیدی بین‌المللی را سیستمی پویا و زنده می‌داند که خدامحوری و توحید، روح آن را شکل می‌دهد. با توجه به زیربنای فرهنگ توحیدی که توحید و عبودیت حق است مسائلی چون کرامت انسانی، اخلاق، عدالت، ولایت، معنویت در شکل‌گیری فرهنگ بین‌المللی نقش دارد و دستاورد فرهنگ‌سازی بین‌المللی تربیت انسان‌هایی اخلاقی و فرهیخته است که قرار است پیکره تمدن توحید جهانی را بسازند. بر اساس مفهوم و مدلی که ادیان از فرهنگ بین‌المللی ارائه می‌دهند. ظرفیت‌های ادیان در فرهنگ‌سازی بین‌المللی به دو بخش ظرفیت‌های مبنایی و ظرفیت‌های روساخت قابل تقسیم است. تعامل ادیان با یکدیگر، تعامل ادیان با همه جهانیان، ارائه الهیات جهانی از ظرفیت‌های مبنایی و پایه‌ای ادیان توحیدی در فرهنگ‌سازی بین‌المللی است. تلفیق عقل و وحی، تلفیق زندگی مادی و معنوی، تولید دانش، تولید قدرت و تولید ثروت از ظرفیت‌های روساختی ادیان در فرهنگ‌سازی بین‌المللی است.
- مطالعه متون مقدس نشان می‌دهد متون مقدس ظرفیت‌های لازم برای فرهنگ‌سازی بین‌المللی را دارا هستند. خوشبختانه تمامی ظرفیت‌های مبنایی را ادیان دارند و در بحث ظرفیت‌های روساختی اسلام جامع‌ترین و برترین ظرفیت‌ها را در فرهنگ‌سازی بین‌المللی دارد.

منابع

- ۱۹۹۵)، انگلستان: انجمن بین‌المللی کتاب مقدس.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری.
- پترسون، مایکل؛ هاسکر، ویلیام؛ رایسنباخ، بروس و دیگران (۱۳۷۹)، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، روابط بین‌الملل در اسلام، قم: اسراء.
- دشتی، محمد (بی‌تا)، نهج البلاغه، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۵)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات مجلس شورای ملی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۹۶)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق، بیروت: دار الشامیه/ دارالقلم.
- رامیار، محمود (۱۳۵۰)، نبوت اسرائیلی و مسیحی، مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- سعادت، عوضعلی (۱۳۸۹)، نقش اسلام در توسعه فرهنگی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، جامع الأخبار، نجف: مطبعة الحیدریه.
- صاحبی، محمد جواد (۱۳۸۴)، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- صدوق، محمد بن علی (بی‌تا)، علل الشرائع، تهران: داوری.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه
- قرآن کریم.
- قرآن کریم (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء، چاپ.
- ترجمه کتاب مقدس شامل عهد قدیم و عهد جدید

- علمیه قم.
- عروسی حویزی، علی (۱۴۱۵)، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- فلسفی، محمد تقی (۱۳۷۹)، الحدیث، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، بحار الأنوار، بیروت: موسسه الوفاء.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مفتاح، احمدرضا (۱۳۸۴)، «مفهوم آمرزیدگی از راه ایمان»، مجله هفت آسمان، ش ۳۰، ص ۴۷-۷۶.
- مکارم، شیرازی ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، بیروت: آل‌البیت.
- هوردن، ویلیام (۱۳۶۸)، راهنمای الهیات پروتستان، مترجم میکایلین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Michael J. Perry (1998). The Idea Of Human Rights, Four Inquiries, Oxford University Press, pp. 5-7.
- Capacity Bulding for Sastainable Development: An Overview Of Unep Environmental Capacity Development Activities, Unep, pp. 4-7.
- International Institute Educational Planning (2006), Capacity Bulding, chapter3, Unesco.

